

استخدام
اولین
دندانپزشک
اروپائی
در سال
۱۲۹۳ هـ.ق.
۱۸۷۲ م.
و پایه گذاری
دندانپزشکی
نوین
در ایران

دکتر احمد هاشمیان



کار معالجه دندانها، از زمانهای دور و شاید هم کم و بیش تا به امروز، در نواحی دور افتاده ایران، برعهدهٔ سلمانها (آرایشگرها) و دلاکها بوده است. آنها، علاوه بر شغل اصلی خود، به درمان دندانها، شکسته بندی استخوانها و مفاصل، حجامت و کارهای دیگر، می پرداختند.

عبدالله مستوفی، در کتاب خود، به این موضوع اشاره کرده و نوشته است: «دندانسازی، در ایران هیچ نبود. اطبا و جراحان، به معالجهٔ لثه می پرداختند و اگر حاجتی به دندان کشی پیدا می شد، به دستور طبیب، سلمانها، به آن کار می پرداختند. ناصرالدین شاه، در سفر دوم خود به فرنگ، یک نفر دندانساز هم به ایران آورد و پس از چندی، دکتر هینت، جانشین او شد. ولی عامهٔ مردم، هنوز به گذاشتن دندان عاریه، عادت نداشتند و حتی از اعیان هم، کسی رجوعی به این دکتر نمی کرد. سلمانها، همچنان به دندان کشی خود مشغول و با کلیتیهای ساخت اصفهان، کار خود را بدون هیچ تزریقی انجام می دادند و بعضی از آنها، واقعا زبردست بودند.

در سی سال قبل از نوشتن این یادداشتها - که دندانساز، زیاد و کمتر کسی از شهرها، برای دندان کشی به سلمانی مراجعه می کرد - وقتی برای سرکشی به ساوجبلاغ رفتم؛ ده - بیست روزی آنجا ماندم. دندانهای من، پیوره داشت و دکتر اسمیت آلمانی، دکتر دندان من بود. مثل تمام مبتلایان به این مرض، هر چند یک بار یکی از دندانهای من، با کلیتین فرنگی و تزریق قبلی، کشیده می شد. در مدت اقامت در ده، نوبت به دندان عقل من رسیده بود و خیلی عذاب می داد. یک شب تا صبح نخوابیدم. صبح گفتم اسبها را حاضر کردند که فقط برای همین عمل، یک شب در راه بخوابم و به شهر بیایم و خود را از درد خلاص کنم. رحمان نام، دلاک ده - که گاوبندی هم داشت و نمی دانم به چه کار زراعتی آمده بود مباشر را ملاقات کند - شنید که من برای دندان کشیدن، می خواهم به شهر بروم، به منزلش مراجعت کرد و کلیتین خود را برداشت و آمد گفت: شنیده ام برای کشیدن دندان، می خواهید به شهر بروید؟ من، در این کار مهارت زیادی دارم! من، ابتدا خیلی انکار کردم و گفتم: دندان آخری است و خیلی مشکل است. گفت: برعکس! این دندان، دو ریشه بیشتر ندارد و چون دندان بیکاره ای است، خیلی محکم هم نیست. همین چند کلمه حرف منطقی و قوت نفس و اعتماد به عملی که جوان سلمانی دهاتی از خود ظاهر ساخت و اصراری که کرد، اعتماد در من ایجاد نمود. لگن آوردند. به محض گشودن دهان، به فاصلهٔ نیم دقیقه، دندان، با دوریسهٔ کامل آن، میان لگن بود. معهدا تصدیق می کنم این کار من، تهور بی موردی بوده است که صد تا یکی، درست از آب در نمی آید.

دکتر برتراند باتیست آنسگاریوس هیینت (Bertrand Baptiste Hybennete) (Ansgarius، ملقب به مستن السلطنه، سوئدی تبار و در شهر ونرزبورگ (Vaenersborg) سوئد متولد شد. پدرش، کارل یوهان اوسکار هیینت (Karl Johan Oskar Hybennete)، در شهر گوتنه بورگ (Gothenburg) سوئد در مطب شخصی خود، به حرفهٔ دندانپزشکی و جراحی دهان و دندان اشتغال داشت، و اولین برخورد برتراند با شغل آینده اش (دندانپزشکی)، در همین مکان بود. وی، در ابتدا در مطب پدری خود، به کارآموزی پرداخت و بعدها در شهرهای کیل (Kiel) آلمان و پاریس (Paris) فرانسه، به تحصیل در رشتهٔ دندانپزشکی مشغول و در سال ۱۸۶۷م، موفق به اخذ دانشنامهٔ تحصیلی در این رشته شد. وی، پس از خاتمهٔ تحصیل، در همان سال برای اخذ تخصص در رشتهٔ جراحی فک و صورت، در دانشکدهٔ دندانپزشکی پاریس، به عنوان معاون بخش (Assistant) مشغول به کار شد و در سال ۱۸۷۲م، پس از پنج سال فعالیت



دکتر برتراند باتیست آنسگاریوس هیینت

علمی و عملی، موفق به اخذ مدرک تخصصی در رشتهٔ مربوط گردید. در همین سال، به وی پیشنهاد کار در دربار ایران شد. این پیشنهاد، به دستور صدراعظم وقت ایران و توسط دکتر تولوزان (Tholozan) فرانسوی، پزشک مخصوص ناصرالدین شاه (۱۲۴۷، ۱۳۱۳ ه. ق. / ۱۸۳۰، ۱۸۹۶ م.)، به دکتر هیینت ابلاغ گردید. ۲ به موجب قرارداد منعقد در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۸۷۲ م. ۱۲۸۹ ه. ق.، دکتر هیینت، ابتدا به مدت سه سال و بعدها با تجدید قرارداد، جمعاً ۳۵ سال در ایران اقامت کرد و به خدمت مشغول شد.

اعتماد السلطنه، در کتاب خود (روزنامهٔ خاطرات)، به چگونگی آمدن مسیو هیینت به ایران، اشاره کرده و نوشته است: «... شب، دندان مبارک درد گرفت. من، به تولوزان، که موقتاً مرخص شده، به پاریس رفته بود. تلگرافی کردم که دندانسازی همراه خود بیاورد. همین مسیو هیینت را که حالا هست، بعد از دو، سه ماه دیگر با خودش به تهران آورد...» ۳

ناصرالدین شاه، به هنگام سفر دوم خود به اروپا، در تاریخ ۱۹ جمادی الاول ۱۲۹۵ ه. ق.، در کتاب خاطرات روزانهٔ خویش، دربارهٔ مسیو هیینت (مسیو هیینه) چنین آورده است: «دندانساز مخصوص را دیدم که از راه گیلان آمده بود؛ با ابوالقاسم خان، نوهٔ ناصر الملک، که از طرف قفقاز می آمد، همدیگر را در راه ملاقات کرده، هر دو، یک دفعه وارد مسکو شده بودند. از آنجا هم هر دو، در



منزل دکتر هیبنت در تهران

برادر خود، ماکسی میلیان هیبنت (Maximilian Hybennet) را که همانند خود او دندانپزشک بود برای کار و همکاری با خود به ایران آورد. ماکسی میلیان، مانند برادر خود برتراند، علاوه بر زبان مادری، به زبانهای آلمانی، فرانسه و بعدها فارسی، تسلط داشت.

مهدیقلی خان هدایت، در کتاب خاطرات و خطرات خودش، درباره وی نوشته است: «۶... ناهار، در بالاخانه عمارت ابیض، مشرف به حیاط آبدارخانه، حاضر بود. اتاق، نسبتاً کوچک است و جمعی هستیم. شاه، تشریف آوردند. هیبنت خان، دندانساز مخصوص، جوانی را که دندانسازی آموخته بود. معرفی کرد. ضمناً گفت: فرانسه، خوب می داند...»

ماکسی میلیان، چهارسال در تهران اقامت کرده و در این مدت، با برادرش برتراند، همکاری می کرد. وی، در اواخر اقامتش در ایران، دچار بیماری سختی شد که مجبور به ترک ایران گردید. دکتر برتراند هیبنت، در سال ۱۸۸۹م. برادر خود را برای معالجه به سوئد برگرداند.

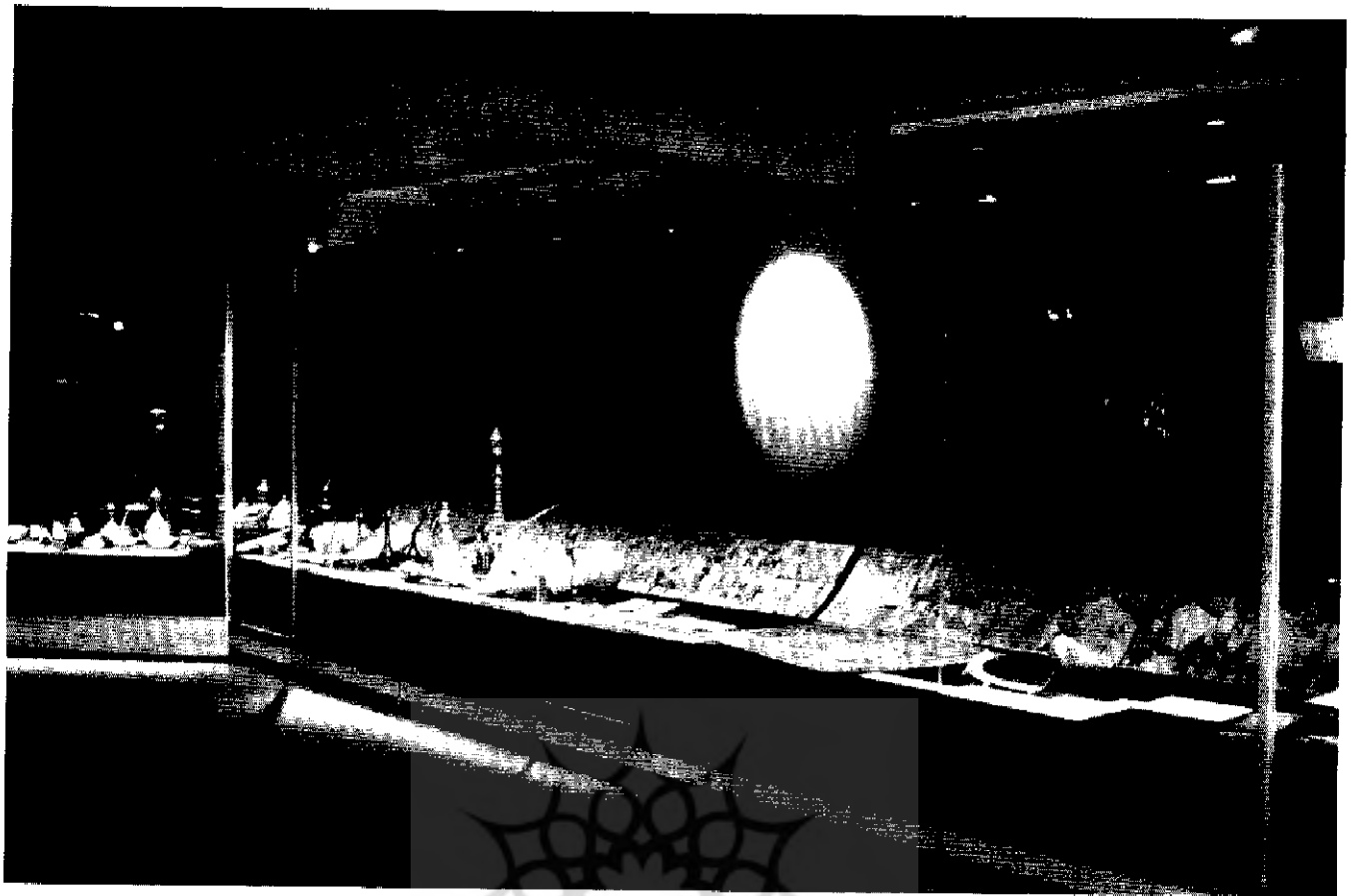
علاقه زیاد دکتر هیبنت، به فرهنگ و تاریخ وطن ما و مخصوصاً پایه گذاری دندانپزشکی نوین اروپائی در ایران، باعث تمدید و تجدید قراردادهای وی با دولت ایران گردید و قرارداد اوکیه او، که به مدت سه سال بود. بارضایت وی

راه آهن به آمل آمده و وارد پطر شدند و دندانساز، موقتاً مرخصی گرفته، به سوئد، وطن خود رفت که باز مراجعت کند.

وی، سپس، به هنگام توقّفش در ۱۶ جمادی الثانی همان سال، به نوشته خود در این باره ادامه داده، نوشته است: بعد رفتیم منزل. این روز مسیو هیبنت دندانساز، از سوئد به پاریس آمده است. با مسیو کرّین دندانساز هم، که در سفر اوک، با دندان ما بازی می کرد. آشنا بود. با حکیم تولوزان، چند روز است آمده و دندان طرف بالای چپ را، که هیبنت، در تهران پر کرده بود و باز مدتی بود لُوق شده بود و هیبنت در تهران نتوانست در بیاورد. اینجا چند روز کرّین کار کرده، بالاخره در آمد. بسیار خوشوقت شدم. دوباره از نو باید پر کند.

ناصرالدین شاه، در راه بازگشت به ایران نیز، چند سطری رایه دکتر هیبنت اختصاص داده، درباره وی نوشته است: «۵ مسیو هیبنت دندانساز و باغبانهای فرانسوی و بناهای ایرانی. که در پاریس کار می کردند. و چند نفر دیگر، از این ترن پیاده شدند که از راه دیگر به سارتیسین و حاجی طرخان رفته، به ایران بروند. خلاصه راندم.»

دکتر هیبنت، در طی اقامت ۳۵ ساله خود در ایران، چندین بار برای دیدار از اقوام و وطن خود، به سوئد سفر کرد. در یکی از این سفرها در سال ۱۸۵۵م.



قسمتی از مجموعه دکتر هیبنت که به موزه مردم شناسی شهر گوته بزرگ اهدا کرده است

وسیصد بود. گفت: من، وقتی که در پاریس بودم و دکان خیلی پستی داشتم؛ سالی دو هزار دندان درست می کردم و در شهر پاریس، سیصد دکان دندانسازی بود که هر یک، در سال چهار هزار و پنج هزار دندان درست می کردند و پست آنها، دو هزار عدد بود. در ایران، من، در ظرف بیست و سه سال، سه هزار وسیصد دندان ساخته ام. از همین مطلب، می توان کسب و تمدن و آبادی این شهر را نمود.

دکتر برتراند هیبنت، در سال ۱۹۰۷م.، بعد از ۳۵ سال اقامت و فعالیت در ایران، به علت کهولت سن، به وطن خود، سوئد برگشت. دکتر برتراند، پس از اقامت کوتاهی در سوئد، به پاریس، محل تحصیل خود برگشت و تا اواخر عمر در پاریس زندگی می کرد. وی، در سال ۱۹۳۱م.، چشم از جهان فرو بست. دکتر هیبنت، به هنگام اقامت خود در ایران، مجموعه ای از کارها و عتیقه جات ایرانی را جمع آوری کرد و همه آنها را، که شامل ۱۱۶ قطعه بود، به موزه شهر گوته بزرگ، زادگاه خود اهدا کرد. این اشیاء، که بیشتر شامل سلاحهای مختلف از جمله زره، کلاه خود، سپر، تبرزین، قلیان، شیشه های دست ساز، جعبه های خاتم، قلمدان، ظروف لعابی و سفالی و... است. در موزه مردم شناسی EtnoSrafiska Museet، در معرض نمایش عموم گذاشته شده است که قسمتی از تاریخ و تمدن گذشته ایران را، مخصوصاً در دوران صفویه و قاجاریه نشان می دهد.

و دولت ایران، تا ۳۵ سال ادامه پیدا کرد. دکتر هیبنت، در منزلی کوچک با باغ زیبایی، در تهران زندگی می کرد. وی، برخلاف بعضی از همکارانش، به دوران جنجالها و زرد و بندهای سیاسی و اقتصادی، در تهران اقامت داشت. کار و فعالیت اصلی او، معالجه بیماران و پایه گذاری دندانپزشکی نوین به سبک اروپائی در ایران بود. نام وی، نه تنها در تهران بلکه در اغلب نقاط وطن ما، زبانزد عموم بود و مردم، با احترام از وی یاد می کردند. مسیو هیبنت، در سال ۱۳۱۲ ه. ق.، از ناصرالدین شاه لقب مستن السلطنه گرفت.

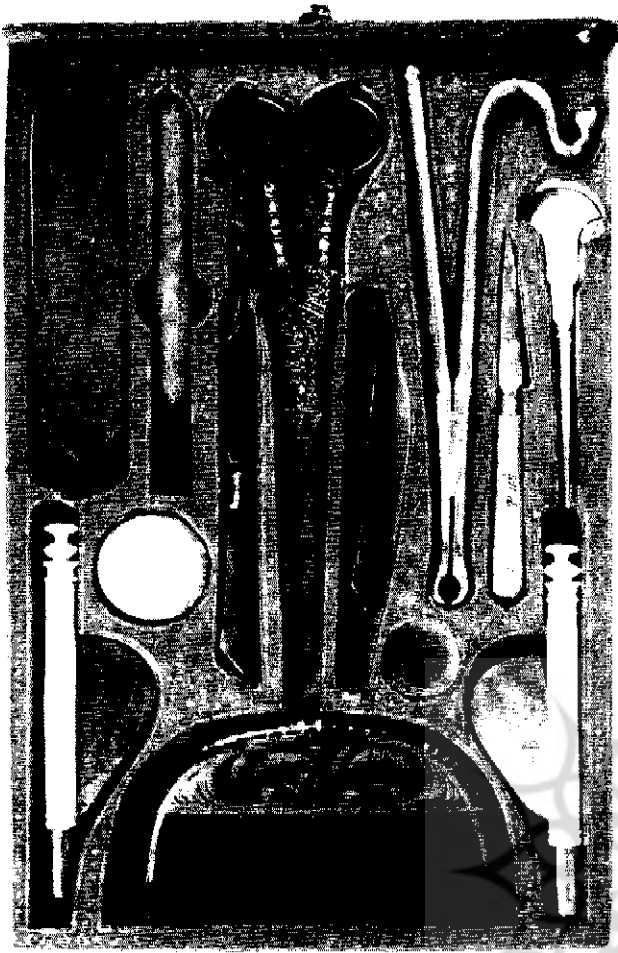
آثار منتشره دکتر هیبنت، که بیشتر درباره معالجه و امراض دهان و دندان، به سبک نوین و متداول در اروپا و دانشگاههای آنجا بود، در آن زمان، پیروان زیادی پیدا کرد و اولین اقدامی بود که در ایران، رشته دندانپزشکی را مستقل کرد و بعدها باعث به وجود آمدن رشته و دانشکده دندانپزشکی در تهران شد. از تجربیات و کارهای علمی و عملی وی، این بود که شاگردان زیادی تربیت شدند و اصول و معالجه امراض دهان و دندان را، به سبک پیشرفته اروپائی، در ایران به کار بردند و از دندانپزشکی متداول سنتی، کم کم فاصله گرفتند.

قهرمان میرزا سالور (عین السلطنه)، در روزنامه خاطراتش، از وی یاد کرده و نوشته است: ۷

مسیو هبنت خان مستن السلطنه، دندانساز اعلحضرت، چند روز قبل آمده بود، دندان برای حضرت والا درست کند. نمره دندانی که آورده بود، سه هزار

علاوه بر مسیو هینت، دندانپزشک دیگری نیز به نام مسیو پلوکه، به ایران آمد. وی، در ۱۲۸۶ ه. ق.، به استخدام دولت درآمد. خیر ورود او به ایران، در شماره ۶۳۶ روزنامه دولت علیه ایران همان سال، بدین ترتیب، درج گردید: ۸ اعلان

مسیو پلوکه، یکی از صاحب صنعتان دولت بهیة فرانسه است. روز بیستم شهر رجب، وارد دارالخلافه گشته، مصمم به شغل رفع مرض دهان و درد دندانست. حکیم مذکور، دندان که درد می کند، بدون اذیت بیرون می آورد و در عوض، دندان مصنوعی تازه می گذارد که هیچکس تمیز نمی دهد که این دندان، مصنوعی است. هر دندانی که سیاه شده باشد یا زنگ زده باشد، پاک می کند و دندانی که کرم خورده باشد، رفع کرم خوردگی می کند که ابدأ دیگر کرم نزنند؛ و هر دهانی که بدبو باشد، معالجه می کند؛ و دندان جفتی که روی هم افتاده باشد، جدا می کند و دندان اگر کج باشد. راست می نماید؛ و در پاریس، به جهت این شغل، نشانهای افتخار متعدد به او داده اند. منزل او، در بیرون دروازه دولت، پهلوی خانه خلیفه فرنگی است. کتابچه ای نیز، در علم و هنر خود نوشته و صورت و شکل شخص یا دندان و بی دندان را، نموده و در وقت آمدن به ایران، در اسلامبول طبع کرده و مجاناً به معارف و اهیانی که روزنامه دارند، داده می شود.



پی نوشت ها :

۱. عبدالله مستوفی، از دکتر استمپ (Stump) آلمانی، که دندانپزشک بود. به عنوان دکتر اسمیت طیب (پزشک) یاد می کند. وی، دندانپزشک دربار بود و در بیرون از آن نیز، مطب دندانپزشکی داشت. او، نخستین استاد کرسی دندانپزشکی در دانشگاه تهران بود و تا سالهای نخست سلطنت محمد رضا پهلوی، در محمودیه شمیران زندگی می کرد. (عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی دوره قاجاریه، جلد اول، انتشارات زوکر، تهران ۱۳۷۱، ص ۵۲۹)

۲. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، نامه های ۱۲۸۹ ه. ق.، پوشه ۶، ص ۴.

۳. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۰، ص ۸۸۱.

۴. ناصر الدین شاه قاجار، سفرنامه فرنگستان (به کوشش ایرج افشار) انتشارات شرق، ص ۲۳۰.

۵. پیشین، ص ۱۵۶.

۶. مهدقلی خان هدایت، خاطرات و خطرات، انتشارات زوکر، چاپ دوم، تهران ۱۳۴۴، ص ۶۹.

۷. روزنامه خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور)، جلد اول، روزگار پادشاهی ناصر الدین شاه، به کوشش مسعود سالور، ایرج افشار، انتشارات اساطیر، چاپ اول.

قسمتی از لوازم مورد استفاده در دندانپزشکی که دکتر هینت به موزه مردم شناسی شهر گوته بورگ اهدا کرده است

تهران ۱۳۷۴، ص ۹۰۴

۸. احمد هاشمیان، تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون، انتشارات سبحان، تهران ۱۳۷۹، ص ۲۹۷.

از خانم فرزانه باقرزاده، حوزه مردم شناسی سوئد، برای واگذاری عکسهای چاپ شده در این مقاله، بسیار سپاسگزارم. (نویسنده)

ترجمه قرآن و اندیشه

ما بین انصاف سنگدان مسعود کور طلوزن با ستم است عجز ایران بوجوب حکم مدافع
خاست مستطاب اعدای عرف صدر اعظم سوره ششم ژوئیه ۱۸۷۲ عبودیت کلمه است
ایران و اندیشه تو که سر در شهر که تهور غ غاک سوره و کمال سالکس با بر سر که تهور سوره
طرف کبر با حضور در نهایت نظر الا شتر در فرات ایران مغرب پادشاه سواد قرار نامه

صفحه اول

براطو و شکر دارند

مسعود است و اندیشه متصدین مسکود و لطیف غیب و دیانت و انبیا و فریضه نام و بار باب
رجوع خود چو کرب و صفت و اندیشه از وجه علم جوار و یکسان بهیچ وجه فرود است
نمکنند است شایان نوبه

فصل پنجم

سیبیت از حیات ایران برسم نواب بر ما شتندگان خوار کوف و مبلغ زبور

شماره ماه در چهار قطعه کار بر شو
فصل ششم

سیبیت بخرج و مصارف مختلف خود جمع طراوت در سبک تعلق ب خود داشته باشد
ایران بیدار شو متصبر میگردد که آنها را در آریس خصم کن و فتنه بخت انان
شمار از قیدی طبع و بد نظیر طبع سفید و دند آنها مصدوم و غیره اقتضای قیمت آنها علاوه
باید کار سازند و که آنک از قیدی اروم و کرد و آب و دند او غیره که در عهد خود

فصل چهارم
سیبیت دند اسنار قید از وقت خود از بارسی بر مبلغ حدگان بخت خنجر

تاوارنگند و دوران خوارگرفت و کان قدر عموماً نزار وقت مراجعت خود بوزر آتام دست
باید چشمت فخر از آتام دست که مجبوراً و با میسر خود واقع شود فرج سعادت از طران تا آنکه

فوانه از دست ایران قاف ظاهر کرد

قصه پنجم

حق موجب میسر است از باغ اور وقت خوش از باریس منظور خوارگ گرفتند
دست سعادت سعادت از باریس با بخت دست فود جلیب خود بزمی طراست

روز خوش سر ز در ایران مقیم باریس ملامت با بخت فود
قصه ششم

قرار نامه کار سختین بعبادت سعادت از آن بسوی دست بخت سعادت کار در آن م
خوارگ
ایران

قصه جمع

قرآن مجید، کتابت کمال تمام اعتبار خوار است و هزار انصاف است معنی کمال است

۱۱ اشکات طریقی کبری

محمد رضا و صدق تلامذ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آقای قاسم سلیمانی
مدرس

لقد وردنا في

L'état de santé de Monsieur le
Docteur Eholgen ne lui permettant
pas d'accompagner M. de Projetti le Châli
son retour en Perse, en ce médecin ayant
obtenu un congé de six mois, le Châli
honorable le Docteur Fournier s'est agréé
pour se charger de son remplacement.
Monsieur le Docteur Eholgen.
Paris aux conditions suivantes.

1. Il jouira d'un traitement égal à la
partie du traitement du Docteur Eholgen,
en tant actuel, de six mille
francs, le traitement de Monsieur le Doc-
teur Eholgen dans son traitement de
soixante mille francs.

2. Pendant les voyages de M. de Projetti,
il lui sera fourni un traitement de dix
mille francs pour ses bagages.

3. L'engagement ci-dessus est d'une
année ou il sera renouvelable avec
fin de cette année.

Paris le 8 Août 1889
(Signé) Fournier
(مؤيد فورييه)

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

اذا ثبتت
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

قرارنامه اجیری مسیو هبنت برتران دندانساز از اهل
سوئد تولد شده در شهر کونتنبورغ بدولت علیه ایران
بشروط ذیل

فقره اول

مسیو هبنت دندانساز متقبل می‌گردد از بیستم ماه سپتمبر
۱۸۷۶ عیسوی مطابق غره ماه رمضان المبارک ۱۲۹۳
سیچقان نیل هجری تا مدت سه سال شمسی متوالی
بخدمتگذاری دولت علیه ایران اجیر باشد. [۰]

فقره دوم

مسیو هبنت دندانساز متقبل می‌گردد با کمال دیانت و
اهتمام و مراقبت تمام بارهاب رجوع خود در کسب و علم و
صنعت دندانسازی و چه در علم جراحی و مکانیک که
مهارت دارد در تعلیم و معالجه آنها بهیچوجه فروگذاری
نکرده خدمت شایان نماید. [۰]

فقره سیم

دولت اعلحضرت شاهنشاه ایران از طرف خودشان متقبل
می‌گردد که مسیوهبنت دندانساز در هر سال برسم موجب
و معاش او مبلغ یکهزار تومان التفات فرمایند. [۰] سه ماه
پسه ماه در چهار قسط

فقره چهارم

مسیو هبنت متقبل می‌گردد جمیع اسباب و ضروریاتی که
تعلق بکسب خود داشته باشد و در ایران پیدا نشود بخرج و

مصارف مخصوص خود از پاریس آنها را تحصیل کند و
وقتیکه بجهت اشخاص حرمخانه اعلیحضرت شاهنشاهی از
قبیل طلا و پلاتین طلای سفید و نذائهای مصنوعی و غیره
اقتضا شده قیمت آنها را علیحده باید کارسازی نمایند و
کذلک از قبیل ادویه و کرو و آب دندان و غیره که در عمل
خود مقتضی شود [۱].

فقره پنجم

دولت اعلیحضرت شاهنشاهی مستعد می‌گردد که به
مسیوهنیت مبلغ یکصد تومان بجهت مخارج راه او حین
مراجعت از طهران به پاریس مرحمت نمایند مشروط
براینکه او مدت سه سال خود را در ایران بانجام برساند
بهیچوجه در خدمت خود منفک و غفلت نه‌نموده باشد [۱].

فقره ششم

مسیوهنیت در ظرف مدت جمیع اظهارات خود را در این
مواد و سایر باید فقط با اطلاع جناب اجل اشرف امجد
سپهسالار اعظم و وزیر امور خارجه دولت علیه ایران
برساند و وضع دیگر اعتبار ننماید.

فقره هفتم

این قرارنامه بزبان فارسی و فرانسه مؤرخه بیستم سپتمبر
۱۸۷۶ عیسوی مطابق غره ماه رمضان المبارک سیچقان‌نیل
هجری ۱۲۹۳ نسخین مرقوم و امضا گردیده است [۱].
قرارنامه تا مدت سه سال معتبر است در انقضای مدت
میتوان برضایت طرفین تجدید نمود.

قرارداد در دارالخلافه طهران [۱] ۲۰ ماه سپتمبر ۱۸۷۶ [۱] غره
ماه رمضان ۱۲۹۳
[محل امضاء
مسیوهنیت
دکتر طولوزان
نظر [۱۵]

Le Contrat d'engagement de M. Hybounot, chirurgien de la Faculté de Médecine de Paris, en vertu des conditions ci-dessous.

قندند اجیر میسویجنت بران دندان از ابرو بر سر و دندان از ابرو بر سر و دندان از ابرو بر سر و دندان از ابرو بر سر

در شهر تبریز به دولت علیه ایران بشروط ذیل

Article I.

فصل اول

Monsieur Hybounot, dentiste à Paris, le 20 Décembre 1876 (en de 1 Ramazan 1293 Hégire), pour trois ans consécutifs au service du gouvernement de Persan.

میسویجنت دندان مقید میگردد از مجسم تا بهمن ۱۸۷۶ هجری مطابق غره ۲۰ رمضان المبارک ۱۲۹۳ هجری قمری تا بهمن سه سال شمسی را که متکدر در شرط عید ایران اجیر باشد

Article II.

فصل دوم

Monsieur Hybounot, dentiste à Paris, sera tenu de servir avec zèle pour tout ce qui concerne son état et appartenant aux plus grands soins dans son exercice, et la profession de dentiste soit comme chirurgien soit comme mécanicien.

میسویجنت دندان مقید میگردد با طول دیانت و اهتمام در تمام بارباب رجوع خود کسب و علم میسویجنت دندان مقید میگردد در علم هر چه در طب که به است و الله در علم و مهارت آنها میسویجنت دندان مقید میگردد در علم هر چه در طب که به است و الله در علم و مهارت آنها

Article III.

فصل سوم

Monsieur Hybounot recevra du gouvernement de Persan, à titre d'appointement, mille roubles par an, cette somme lui sera payée trimestrielle par le trésorier et des leçons.

دولت علیه ایران ششماهه از طرف دولت مقید میگردد بر میسویجنت دندان مقید در منزل بر رسم مورد اجاب و در شهر تبریز که در آن احوال فرستاده ماهانه ماه و چهار قسط

Article IV.

فصل چهارم

Monsieur Hybounot aura à son propre compte tous les instruments et appareils nécessaires, pour son état et comme on s'en trouve pas en Persan, il s'engagera à acquiescer à Paris. Quand il sera des pièces pour les parents de la famille Royale, les matières

میسویجنت مقید میگردد در تمام ابزار و وسایل که در تبریز یافت نمیشود و در آنجا یافت نمیشود و در آنجا یافت نمیشود و در آنجا یافت نمیشود

(sa plénitude. Doute ou le faict à la suite),
 qui seront réglés à part et il en
 sera de même des médicaments
 (pour dire et sans doute etc etc)
 qu'il aura à procurer et à fournir;

دخیمه اقتضا نمیشد آنها را علیهم باید در زیر زمین گذاشت و کنگر
 از قید او برادر کرد و آب دندان و خمیه که در هر روز میخورند

Article V

ماده پنجم

Le gouvernement de la Hollande
 se charge de payer à la
 Hollande au titre de son
 voyage ou retour de ses
 Elus, cent l'an au plus, le service de trois ans soit
 rendu par son et de l'Etat
 et au cas qu'il n'ait pas
 d'accomplir son service

درت مجربت نیز متعهد میگردد که سیزدهمین مبلغ
 یکصد لان بجزه خروج راه او و این بر اجرت از طرفان
 مرعیت نمایند مشروط بر اینکه او در مدت سه سال در خدمت
 در ایران باقی بماند و در صورت فرود آمدن از خدمت

Article VI

ماده ششم

Les deux Gouvernements dans toutes
 ses affaires concernant à son
 service et à la guerre, proposition
 dans l'espace du temps, soit
 C. Adriaensz et Ministre des affaires
 Etrangères du gouvernement d'Oran
 et de la Hollande jamais intervenant.

سیزدهمین در ظرف مدت جمیع افکار است خود را
 در هیچ مورد و سایر باید فقط با ملاحظه جانب طرف
 و وزیر امور خارجه دولت علیه ایران برین موضوع که

Article VII

ماده هفتم

Le présent contrat a été fait
 en double et en français et
 et un exemplaire a été remis à
 l'Empereur, l'autre au
 du gouvernement d'Oran.
 La présente convention est
 valable pour trois ans, et elle
 pourra être renouvelée
 du consentement mutuel des parties.

این قرارداد به زبان فرانسه و فارسی تنظیم شده است
 مطابق فرموده رضوان الله علیه که در تاریخ ۱۲۹۳
 تنظیم فرموده و امضا کرده است

Leoran le 20^e Décembre 1876.
 (ou le 1. Ramazan 1298).

قرارداد تنظیم شده است در تاریخ ۱۸۷۶
 ۱۲۹۳ رمضان ۱۲۹۳